بعون صانع بیچون و مکان و فضل خلاق زمین و زمان

رسالہ مفید عام در علم تقسیم ترکہ و میراث و سہام اہل حق حسب شرع محمدی



مصنفہ مروج احکامات شریعت سید المرسلین منشی فیاض الدین

در مطبع نامی منشی نولکشور واقع بلدۂ کانپور مطبوع گردید

ایک جز



بسم الله الرحمن الرحیم

بعد حمد پروردگار و نعت سید ابرار صلی الله علیه و آله الاطهار
و اصحابه الکبار مخفی مباد که این رساله الیست از منتخبات کمترین بندگان
ایزد جهان آفرین فیاض الدین ابن معز الدین باشنده سلهث مشعر
بر اینکه بعد تفویض ودیعت حیات بخازن حقیقی حقوق چهارگانه
مترتبه با ترکه متعلق میگردد یعنی اول تجهیز و تکفین او بطور اوسط است
دوم ادای دین وی که حق العباد باشد سوم اجرای وصیت از
ثلث مال چهارم بعد ادای حقوق ماتقدم مالی که باقی باشد [illegible]

بذوی الفروض پس بعصبه برسد و اگر کسی از قسم عصبه موجود نباشد
پس مقدار افزون سوای زوج و زوجه بدیگر اصحاب فرائض
رد کرده شود پس بذوی الارحام پس بمولای موالات پس بمقر له بالنسب علی
الغیر بشرطیکه مقر بر اقرار خود بمیرد و نسب از آن غیر ثابت نشود پس بموصی له
بجمیع مال در یابد و بعدم آنها در بیت المال مسلمین تفویض کرده آید اما رقیت
و قتل و اختلاف دینین مانع ارث است و اختلاف دار مانع
ارث مسلمین نیست و آنکه هیچگاه وارث نمی شود حاجت دیگری نمیگردد

فصل در بیان احوال ذوی الفروض

اول پدر حصهٔ او سدس است و آن با پسر یا پسر پسر و فروترین آنها
و فرض و تعصیب معاً و آن با دختر یا دختر پسر و فروترین آنها و بی
اینان عصبه دوم جد صحیح یعنی پدر پدر اگرچه بالاتر باشد بعدم پدر
به استحقاق و راثت مثل پدر است مگر در چار مسئله که اختلافی دارد
آن از تتبع حالات ظاهر سوم برادر اخیافی یکی را سدس و زیاده

ازان را ثلث اما با وجود پدر و جد صحیح و ولد و ولد ولد و فروترین
آنها محروم چهارم شوهر حصّهٔ او نصف است اما با فرزند و فرزند پسر
و فروترین آنها ربع پنجم زوجه یکی باشد یا زائد ازان حصّهٔ او ربع است
و با فرزند و فرزند پسر و فروترین آنها ثمن ششم بنت صلبیه یکی را نصف
و زائد ازان را ثلثان و با پسر و دختران عصبه میگردند درین صورت
پسر را دو چندان حصّه دختر باشد هفتم دختر پسر بعدم دختر صلبیه
حسب التفصیل صدر همچون دختر صلبیّه حق دار میشود و با یک دختر صلبیه
سدس میابد و با دو دختر صلبیّه وارث نمیشود اما بوقت موجود
بودن پسری متساوی الدرجه یا فروتر از خود با عصبه گردیده باقی
از حصّه دختران در یابند بنوعی که مرد را دو چندان حصّه زن باشد
و آنانکه بدرجه از پسر فروتر باشند چیزی نمی یابند و با وجود پسر میّت
وارث نمی شوند و اگر چند دختران پسر مختلف المدارج باشند پس آنکه
از همه اقرب بود مثل دختر صلبی مستحق نصف و دیگران بلحاظ قرب

درجه مستحق سدس میشوند هشتم خواهر عینیه یکی را نصف و زائد از آنرا
ثلثان و با برادر عینی عصبه میگردند درین صورت برادر عینی را دو چندان
حصهٔ خواهر عینی برسد و نیز اینان با دختر و دختر پسر میت عصبه میشوند
نهم خواهر علاقی اینها در استحقاق وراثت همچو خواهر عینیه اند اما با یک
خواهر عینیه سدس می یابند و با زائد از آن محروم اما اگر برادری داشته
باشند بسبب وی عصبه میشوند درین صورت برادر را دو چندان حصهٔ
خواهر باشد و نیز آنها با بنات و بنات ابن عصبه گردیده ما بقی از حصهٔ
آنان دریابند دهم خواهر اخیافی حال او مثل برادر اخیافی است در
استحقاق وراثت زن و مرد مساوی اند خواهران اخیافیه و اعیانیه و علاتیه
بسبب ابن و ابن الابن و فروترین آنها و بسبب پدر و جد صحیح محروم عن
الارث اند و سوای آن خواهران علاتیه بسبب برادر عینی و با خواهر عینیه
که بسبب بنات یا بنات ابن عصبه میشود ساقط میگردند یازدهم مادر حصهٔ او سدس
است و آن با فرزند و فرزند پسر و فروترین آنها و با دو کس از برادران

وخواهران هر جنسی باز آید یا زائد ازان وثلث کل بعدم اشخاص مذکوره
وثلث ما بقی بعد فرض احد الزوجین وقتی که با پدر زوجه یا زوج و پدر
باشد ودوازدهم جدهٔ صحیحه متساوی الدرجه یعنی مادر و پدر و مادر مادر اگرچه
بالاتر باشد سدس در یابند اما جدات مادری و پدری با وجود مادر
وسوای جدات مادری جدات دیگر با وجود پدر وسوای مادر پدر بالا
زین آنها جدات دیگر با وجود جد ساقط میشوند سوای آن جدهٔ قریبه
حاجب جدهٔ بعیده است خواه آن جده منجانب مادر باشد یا منجانب
پدر و وارثه باشد یا نه اگر جدهٔ موصوفه بیک قرابت باشد و دیگرے
بدو قرابت پس سدس نزد امام ابو یوسف رح اتفاقاً باعتبار
رؤس و نزد امام محمد رح اثلاثاً باعتبار جهات تقسیم خواهد یافت

فصل در بیان احوال عصبات

اول پسران بعده پسران پسر اگرچه فروتر باشند بعده پدر و پدر پدر
اگرچه بالاتر باشند بعده برادران و پسران آنها اگرچه فروتر باشند



بعده اعمام پس از آن پسران آنها اگرچه فروتر باشند بعده آزاد کننده بعدهٔ عصبه آزاد کننده اما وارثان آزاد کننده زنان مستحق ولاء نیستند الا آنانکه از ایشان سبب حریت بالواسطه یا بلاواسطه بعمل در آمده باشد از ایشان کسیکه بقرابت اقرب است به استحقاق وراثت لاحق است دهم کسی که ذی قرابتین است عام از ینکه مرد باشد یا زن حاجب ذی قرابت واحده است و زنیکه صاحب فرض نیست بسبب برادر خود عصبه نمی شود

فصل در بیان احوال ذوی الارحام

اینها چار صنف اند بترتیب ذیل اول فرزندان دختر و فرزندان دختران پسر اگرچه پائین تر باشند دوم جد فاسد و جدات فاسدات اگرچه بالاتر روند سوم اولاد خواهر و دختران برادران و فرزندان برادر اخیافی چهارم عمات و اخوال و خاله و اعمام اخیافی و بنات الاعمام و اولاد آنها قاعده کلیه آنکه بقرابت اقرب است به استحقاق وراثت احق است و نیز



بسبب مساوی بودن درجۂ قرابت استحقاق فرزند وارث مقدم
تر است چون استحقاق دختر دختر پسر بر دختر دختر و در صورت اختلاف
قوت قرابت و جهات قرابت به اعتبار ترجیح اصل و در صورت اتحاد و قوت
قرابت و جهات قرابت با مراعات ترجیح مرد بر زن تقسیم خواهد یافت و
هرگاه اقربای مادری و پدری باہم دعویدار شوند دو ثلث اقربای پدری
را و یک ثلث اقربای مادری را است بلا لحاظ جنس دعوی دار و در میان
اولاد خواہر اخیافیہ و برادر اخیافی ترجیح مرد بر زن نیست و در توریث
ذوی الارحام ترجیح صنف اول بر دوم و سوم بر چہارم است

فصل در بیان مخارج سہام و تقسیم و نسبت اعداد و تصحیح

سہام متعینہ متذکرہ بر دو نوع است نوع اول نصف و ربع و ثمن
نوع ثانی ثلث و ثلثان و سدس از انجملہ مخرج نصف دو باشد و مخرج سہام
دیگر عدد ہمنام آن بود و اگر چند حصص متحد النوع مجتمع شوند پس باعتبار
عدد یکہ مخرج ہمہ فرائض مجتمعہ میتوان شد تقسیم کردہ آید و اگر مختلف النوع باشند

باختلاط نصف یا کل یا بعض نوع ثانی مسئله از شش و باختلاط ربع
یا کل یا بعض نوع ثانی از دوازده باختلاط ثمن یا کل یا بعض نوع
ثانی از بست و چار منقسم میگردد و گاهی بوقت تنگی مخرج به ادای فرائض بعض
به قاعدهٔ عول عدد شش را تا ده جفت باشد یا طاق و دوازده را تا هفده
فقط طاق و بست و چار را صرف تا بست و هفت اضافه کرده تقسیم
کرده میشود باین قاعدهٔ کلیه که از اصل مقسم سهام مقدره هر فریق در
داده تصحیح سهام منقسمه مسئله عائله متحقق کند مثلاً زوج و دو اخت
عینیه وارث باشند اگر سهام مقسومه بر مستحقین تقسیم صحیح بپذیرد
پس بدریافت نسبت اربع حسب قواعد زیرین تصحیح نموده آید
بدانکه میان عددین مختلفین نسبت اربع واقع است اول تماثل و
آن مساوی بودن هر دو عدد است چون سه و سه دوم تداخل و آن تقسیم شدن
عدد کثیر است به عدد قلیل بلا بقای چیزی چون سه و نه سوم توافق
و آن افنا شدن هر دو عدد است بذریعه کدامی عدد ثالث که سوای واحد باشد

چهارم تباین و آن فنا شدن هر دو عدد است بذریعه عدد واحد
نه بذریعه عدد دیگر که درین صورت توافق باشد قاعده کلیه معرفت
توافق و تباین آنست که از اکثر بمقدار اقل کم کرده شود تا وقتی که متفق
بکدامی درجه گردد پس اگر عدد واحد باقی ماند تباین بود والا توافق
و عدد مفنی مخرج جزء وفق است چنانچه شانزده و هیجده متوافق اند بالنصف
و پانزده و دوازده متوافق اند بثلث قواعد تصحیح اول هرگاه حصه بر یک
طائفه منکسر شد اما میان عدد روس و سهام آن طائفه حسب تسطیر صدر نسبت
توافق است یعنی اگر نسبت توافق بالنصف باشد نصف عدد روس
آن طائفه علی هذا القیاس هر وقت هرچه باشد در اصل مقسم ضرب نماید
مثلاً مادر و ده بنت وارث اند و اگر متباین باشد پس کل عدد روس
آن طائفه در اصل مقسم ضرب نماید چون یک جده و زوج و سه اخت
اخیافیه وارث اند دوم هرگاه حصه بر چند طائفه منکسر شد آنگاه عدد
روس یک فریق بسوی عدد روس و فریق دیگر نسبت کرده شود بوقوع

توافق وفق و بوضوح نسبت تباین کل عدد رؤس یکی بر دیگرے
ضرب نموده حاصل ضرب آخرین در اصل مقسم ضرب نماید چون چهار
زوجه و هیجده بنات و پانزده جده و شش اعمام وارث باشند اگر
اعداد رؤس باهم مماثل باشند یا حسب نسبت متداخل بر آیند
تا حاجت ضرب یکی بر دیگرے نیست در صورت مماثلت احد الاعداد
و در صورت مداخلت اکثر الاعداد در اصل مقسم ضرب نماید مثال مماثلت
چون ۳ دختر و ۳ جده و ۳ اعمام وارث اند مثال مداخلت چون
چار زوجه و ۳ جده و دوازده اعمام وارث اند حصه هر فریق که از اصل
مقسم بدیشان رسیده است در مضروب اصل مسئله ضرب کرده
حصه صحیحه آن فریق و حاصل ضرب مذکوره بر عدد رؤس
آن طائفه تقسیم کرده حصه صحیحه هر واحد برآورد

فصل در بیان مسائل رد

اوّل هر گاه صرف جنس واحد از اهل رد باشند تا این مسئله



از عدد رؤس آنان تقسیم کنند چون دو بنت وارث اند دوم هرگاه صرف دو جنس از اہل رد باشند تا این مسئلہ از مجموع سہام آنان تقسیم یابد چون جدہ و یک اخت اخیافیہ وارث اند سوم ہرگاہ غیر اہل رد با یک جنس اہل رد باشند پس حصہ غیر اہل رد از اقل مخرج سہام وی دادہ مابقی بر اہل رد تقسیم نماید چون زوج و سہ بنت وارث باشند و در صورت مستقیم نشدن آن و واقع شدن نسبت توافق وفق و بواضح شدن نسبت تباین کل عدد رؤس اہل رد بر مخرج سہام غیر اہل رد ضرب نماید چون زوج و شش بنت وارث اند چہارم ہرگاہ غیر اہل رد یا دو جنس اہل رد باشند پس آن قدر کہ از مخرج حصۂ غیر اہل رد باقی باشد آنرا بر مسئلہ اہل رد کہ از روی رد باشد تقسیم نماید چون یک زوجہ و یک جدہ و دو اخت اخیافیہ وارث اند و در صورت مستقیم نشدن آن بر ہر واحد یا وصف مستقیم شدن بر مسئلہ حسب قواعد تصحیح



تصحیح نماید و اگر بر مسئله هم مستقیم نشود پس کل مسئله اہل رد بر مخرج سہام غیر اہل رد ضرب نماید و سہام غیر اہل رد بر مسئله اہل رد و سہام ہر فریق اہل رد بر مقدار البقیه مخرج حصه غیر اہل رد ضرب نموده مقدار حصه ہر فریق دریافته ثانیاً بموجب قواعد تقسیم تصحیح مسائل نماید

چون یک زوجه و بنات و شش جدات وارث اند

فصل در بیان مناسخه

اوّل ترکه میت اوّل بعده ترکه میت ثانی تقسیم کرده ہر قدر که میت ثانی را از ترکه میت اوّل در رسیده و بما فی الید موسوم است آنرا با تصحیح دوم نسبت نماید اگر متماثل اند حاجت ضرب نیست و الا در صورت توافق وفق و در صورت تباین کل عدد تصحیح ثانی بر تصحیح اوّل ضرب نموده سہام وارثان میت اوّل بر کل تصحیح دوم اگر متباین است یا در وفق تصحیح دوم اگر متوافق است ضرب نماید همچنین سہام وارثان میت دوم بر کل ما فی الید اگر متباین است یا بر وفق آن

اگر متوافق است ضرب نماید علیٰ ہذا القیاس اگر شخص سوم
یا چہارم فوتیدہ باشد در عمل آن مخرج مسائل
اوّل و دوم بمنزلۂ تصحیح اوّل و مخرج مسئلہ سوم
بمنزلۂ تصحیح ثانی و میت ثالث را از ترکہ میت اول و دوم
ہر قدر کہ رسیدہ است بمنزلۂ مافی الید متصور باشد
وکذلک اعمل الیٰ غیر النہایۃ

فصل در بیان بعض مسائل

املاک مفقود از حین ولادت تا نود سال موقوف باید داشت
واگر مفقود چنان باشد کہ بسبب زندہ ماندن او حصہ وارثان
دیگر نہ زائد می شود نہ کم تا ترکہ تقسیم کردہ خواہد شد اما کسی کہ بسبب
حیات مفقود محروم می شود چیزی نخواہد یافت مسئلہ برائے
حمل حصہ یک پسر یا یک بنت ہر چہ انفع باشد باقی باید داشت
واگر حمل چنان باشد کہ بسبب زندہ زادن وی [illegible] وارث

محروم میشوند فی الغور مسئلک تقسیم بعمل نخواهد آمد الّا
اگر وارثان دیگر چنان باشند که هر حال مستحق کدام یک حصه
می شوند پس تقسیم کرده کمترین حصه بدایشان داده باقی
تا وضع حمل موقوف داشته خواهد شد مسئله اگر
خنثی مشکل وارث باشد کمترین نصیب مرد و زن یابد مسائل
خنثای مشکل و حمل بر تقدیر ذکوریت و انوثیت و مسائل مفقود
بر تقدیر حیات و ممات تصحیح کرده خواهد شد مسئله اگر
چند کس باهم به هرگ مفاجات فوتیده باشند و پیر
و پیش فوت شان معلوم نبود پس موت آنها بیک ساعت
واقع گردیده متصور خواهد شد و مال آنان باحیاء الورثای
شان خواهد رسید از فوتیدگان یکی وارث دیگری
نخواهد شد. هکذا حکم الکتاب والله اعلم
بالصواب



خاتمة الطبع

پس از حمد و ثنا مخفی مباد که درین زمان رسالهٔ ما یحتاج عام مفید
تام در علم تقسیم ترکه میراث مملو بنوادر مسائل مسمی به رسالهٔ فرائض که
شگرف رساله‌ایست در تبیین مسائل ضروری پیش پا افتاده که مردم
هر دیار را در اکثر اوقات بدریافت آنها حاجت می افتد مشتمل بر چند فصول مانند
احوال ذوی الفروض که یازده اند مانند پدر و جد وغیره و احوال عصبات
و احوال ذوی الارحام - و بیان تخارج سهام و تقسیم - و مسائل رد و مسائل
مناسخه مولفه و مدونه عالم علوم واقف فنون منشی فیاض الدین صاحب حسب
حسب خواهش ارباب شوق و نظر باشاعت علم و افادهٔ خاص و عام بار
پنجم در مطبع نامی و مشهور منشی نول کشور واقع بلده کانپور

در ماه جون ۱۸۹۶ع طبع شد

